

چگونگی نشر:

این نشریه به صورت ماه نامه منتشر و اگر شرایط امنیتی و مالی اجازه دهد در آینده به صورت هفتگی چاپ و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. برای پخش این نشریه از نوروش ۱: سنتی ۲: اینترنتی بهره خواهیم برد

راه سرخ نشریه تمام کسانی است که به سرنگونی جمهوری چهل و جنایت سرمایه داری اسلامی معتقد و باور دارند که برای برون رفت از این جهنم سرمایه ساخته هیچ راهی نیست الا رفتن به سوی سوسیالیسم و ان هم میسر نمی شود مگر با در هم شکستن ماشین سرکوب سرمایه به وسیله جنگ مسلحانه توده ای. و همچنین نشریه راه سرخ متعلق به تمامی کسانی است که به مبارزه تا نفی هرگونه استثمار و نفی کارمزدی باور داشته و در این راه از هیچ چیز دریغ ننمایند

راه سرخ



نوزدهم بهمن سال ۹۰ برابر هشتم فوریه ۲۰۱۲



میشود. راه سرخ از طریق اینترنت و روش سنتی پخش و در دسترس همه دوستداران طبقه کارگر و آحاد مردم قرار خواهد گرفت.

درباره ما:

راه سرخ ماه نامه ای است که راه هر ماه منتشر و در اختیار عموم قرار خواهد گرفت. و چنانچه مسائل امنیتی و مالی اجازه دهد قصد ان می رود که ان را به صورت هفتگی نشر نماییم. راه سرخ نشریه و زبان گویای تمامی کارگران و زحمتکشان و تمام کسانی است که در راه رهایی طبقه تلاش نموده و تا نفی کارمزدی هرگز از پای نخواهند نشست. از این رو تمامی کسانی که خود را کمونیست می دانند و به سرنگونی جمهوری چهل و جنایت اسلامی و در هم شکستن ماشین سرکوب بورژوازی از طریق قهر توده ای اعتقاد دارند می توانند در این نشریه قلم زده و برای نشر با ارسال مقالات ما را یاری رسانند. طبیعی است که مسئول مندرجات مقالات نویسنده مقاله بوده و حق نقد و بررسی برای رفقای تحریریه و بقیه رفقا محترم شمرده

در منطقه بنیان نهادند. و با به صدا در آوردن زنگ خون در سپاهکلام اعلام وجود کردند. پس از ان بود که شکنجه گاه های رژیم شاهد از جان گذشتگی و مقاومت و ایثار هزاران فدائی بود تا جایی که خود شکنجه گران بارها اظهار نموده که در شگفت هستند از این همه مقاومت انها نمی توانستند درک کنند زیرا انها و تمامی مزدوران هیچگاه قدرت عشق و ایمان و آگاهی را درک نکرده بودند و نمی دانستند که اینها از آگاه ترین و با ایمان ترین و عاشق ترین های جامعه بودند. که برای آزادی و نفی استثمار و برابری به این میدان آمده اند.

یادشان گرامی

راه شان پر رهرو

کمیته ایالتی کرج ۹۰/۱۱/۱۹

سید گل سرخ یک گل نصرانی
ما را ز سر بریده می ترسانید
گر ما ز سر بریده می ترسیدیم
در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

گزیده ای از دفاعیات رفیق سعید سلطان پور در بی دادگاه اسلامی

سپاهکلام سرآغاز جنبش عشق و حماسه مبارک باد

چهل و یک سال پیش با توجه به اندیشه غالب رفرمیسم بر جنبش کمونیستی که نه تنها به اعتماد توده ها به جنبش کمونیستی ضربه زده بود بلکه این توهم را در بین توده ها دامن می زد که سرمایه داری در ایران با توجه به رفرم ارضی شاه رو به رشد و بالنده است و رادیو پیک ایران دانما با ارائه تحلیل های رفرمیستی خاک به چشم توده ها می پاشید. رفرمیستها از یک طرف و از طرف دیگر رژیم تخم تراس و یاس را در درون جامعه پراکنده می نمود و برای امپریالیستها از قدر قدرتی و جزیره ثبات بودن رژیم خود یاره می یافت. در این چنین شرایطی بود که رفقای ما که عاشق ترین بودند با از به هم پیوستن چندین محفل کمونیستی پایه به وجود آمدن بزرگترین سازمان کمونیستی را

شورایی

فدراتیو

جمهوری

باد

برقرار

عشق تارها تنیده ام در کوچه های
عشق تارها تنیده ام
محسن رجب زاده



من عشق را دیده ام در پای روی
تخت
من عشق را دیده ام در سر کنار دار
من عشق را دیده ام در مرگ
دلاوران
من عشق را دیده ام در مویه مادران
در گور خاوران
من عشق را دیده ام در کوچه های

از کودکی خود عشق را دیده ام
من عشق را دیده ام در
درد کارگر من عشق را دیده ام در
رنج رنجبر
از رنج رنجبر از درد کارگر
سود ها برده اند دستان همچو پر
من عشق را دیده ام در دست زبر و
سخت

آزادی

مسکن

کار



روزهای تاریخ ساز ۱۹ و ۲۲ بهمن گرامی باد

آنچه در ۱۹ بهمن ۴۹ رخ داد نه یک حادثه ساده بلکه یک اقدام تاریخ ساز و تعیین کننده بود که عرصه ای نوین را فرا روی جنبش فراتر کمونیستی ایران که با خیانت های حزب توده به احتضار افتاده بود ، قرار داد و نشان داد که کمونیسم به هیچ روی مردنی نیست بلکه هر بار چون قفتوسی از آتشی که رژیمهای سرمایه داری بر پا میکنند مضمم تر و استوار تر سر بر میاورد . سلاح " چریک های فدائی خلق " که از ۱۹ بهمن ۴۹ بدست گرفتند نه تنها بر روی رژیم پهلوی بلکه بر روی جمهوری اسلامی و تمام رژیمهای سرمایه داری نشانه رفته است . فدائی در ۱۹ بهمن ۴۹ متولد شد ولی تولدی بی مرگ چرا که کارگران و زحمتکشان زنده اند ، اگر در ۱۹ بهمن فرزندان خلق برای آزادی و عدالت بپا خواستند و در اوج خفقان و استبداد مرگ رژیم پهلوی را فریاد زدند ، در ۲۲ بهمن خلق بپا خواسته این مرگ را

رقم زد . اگر بعد از ۱۹ بهمن که " چریک های فدائی خلق " حماسه سیاهکل را آفریدند رژیم پهلوی پنداشت توانسته با دستگیری و اعدام فدائیان ثبات و آرامش را برای سرمایه داران به ارمغان بیاورد ، در ۲۲ بهمن توده ها به بهترین شکلی تلاش پهلوی ها را به شکست کشاندند ولیکن در پی آن همه جان فشانی ها آنچه دریافت کردند حاکمیت سرمایه بود در رنگ و لباسی دیگر ، جمهوری اسلامی که وجود خود را مدیون توهامات مذهبی توده ها ست از روز اول به رسالت طبقاتی خود مبنی بر حمایت از نظام سرمایه داری واقف بوده و اجرای طرحها و برنامه هایی را که متضمن سود ببری هر چه بیشتر صاحبان سرمایه باشد در دستور قرار داد به عنوان نمونه مبینیم در اوج فقر و تنگدستی که گریبان اعظم جامعه را گرفته در یک قلم کوچک چند نفر سه هزار میلیارد تومان ثروت اندوزی میکنند .

تاریخ به ما می آموزد حاکمیت سرمایه داران در هر رنگ و لباسی صرفا حاکمیت سرمایه داران است و پس چه سلطنتی و چه اسلامی و چه مردم سالاری دینی و غیر

دینی و یا دموکراسی صادراتی آمریکایی ، با اسامی پر طمطراق ولی همه از منافع یک طبقه دفاع میکنند و کارگران و تبهی دستان را دشمن شماره یک خود میدانند تا هر زمان بتوانند از قبل آنها ارتزاق میکنند و هر زمان لازم باشد به راحتی حمام خون به راه میاندازند .

قیام ۲۲ بهمن به پایان نرسیده ، پایان آن تنها با زردن بیکاری و فقر ، مرگ اختلاف طبقاتی ، مرگ نظام سرمایه داری و بیکارچه بپا خیزیم برای سرنگونی جمهوری فدراتیو شورایی و تحقق دموکراسی واقعی ، دموکراسی سوسیالیستی رقم خواهد خورد . دست در دست هم متحد و یکپارچه بپا خیزیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی برای سرنگونی حاکمیت سرمایه .

سرنگونی باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیزم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - کمیته ایالتی تهران

داس است خون ما در دست رنجبر

جنگ و نعمتهای آن !!

خمینی جنایتکار در تاریخ حیات خویش اگر یک حرف درست زده باشد همان نعمت دانستن جنگ است ، به درستی جنگ برای همه دیکتاتورها و مستبدین تاریخ همیشه یک نعمت بوده است . جنگ و فضای نظامی و امنیتی که متعاقب آن بوجود میآید شرایط مناسبی را برای خفه کردن هر صدای اعتراض و هر ندای حق طلبانه فراهم میکند و ضمن آنکه موقعیت مناسبی فراهم میشود تا حاکمیت با تحریک احساسات میهن پرستانه مردم تحت عنوان دفاع از میهن بخش وسیعی از توده ها را به گرد خود جمع کند و در عین حال با رونق بخشیدن به صنایع تسلیحاتی و درگیر کردن مستقیم بخش وسیعی از بیکاران جامعه در فعالیتهای جنگی ، تسکینی باشد

بر بحران شدید و روز افزونی که نظام سرمایه داری با آن درگیر است . از نگاه امپریالیستها علاوه بر موارد ذکر شده در دهه اخیر جنگ ابزار مناسبی شده برای برکناری رژیمهای تاریخ مصرف گذشته و جایگزین کردن رژیمهای به ظاهر دمکرات و وجیه المله ، همانطور که در افغانستان و عراق و لیبی و سودان و اتیوپی و سومالی عمل شده و میشود .

سران جمهوری اسلامی جنگ را ابزاری در خدمت تداوم حاکمیت ننگین خویش میدانند ، همانطور که جنگ هشت ساله ایران و عراق چنین نتیجه ای به بار آورد تا جایی که خمینی آن را نعمت دانست جنگی که به بهترین وجه با استفاده از توهامات مذهبی و فشری توده ها اداره شد .

اینک در اوج بحران اقتصادی و سیاسی که گریبان حاکمیت را گرفته بوی مشمژ کننده جنگ فضا را مسموم کرده است ، دستگاههای تبلیغاتی رژیم در کنار دفاع از اسلام پرچم میهن پرستی را هم برافراشته اند و هل من مبارز میطلبند انهم برای مبارزه ای که نمیخواهند خود شروع کننده باشند بلکه میکوشند با تحریک و تشنج آفرینی ، امپریالیستها به اقدامی نظامی دست زنند و جمهوری اسلامی با مظلومیت تمام آتش جنگ را شعله ور کند و تمام منطقه را به آشوب بکشد و بقای خود را چند صباحی بیشتر تضمین کند . طرفین درگیر در چنین جنگی هر چند مختصر (که در صورت وقوع غیر از این نخواهد بود) فقط اهدافی ارتجاعی و ویرانگر را دنبال می کنند و کارگران و زحمتکشان

اتحاد ما ضامن پیروزی ماست

گر مرد رهی :

بگر مرد رهی چسان و چون باید رفت

عیار وار حلاج گون باید رفت چون مزدک و یاران دلیر از پای فتاده واژگون باید رفت

محسن رجب زاده

۹۰/۱۱/۱۹

کیومرث منصور ۵/۱۱/۹۰

تنها بازندگان آن خواهند بود، با بروز جنگ دو حالت متصور است در حالت اول میتوان به تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی و سرکوب گسترده و عریان توده ها بیانجامد و در حالت دوم به سقوط جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها و به روی کار آمدن رژیمی کارگزار امپریالیست به مانند عراق که متضمن تداوم بی دغدغه غارت و چپاول توده ها توسط سرمایه داران ، خواهد انجامید .

سرنگونی جمهوری اسلامی تنها راه جلوگیری از چنین جنگ خانمان سوزی خواهد بود . تداوم حیات جمهوری اسلامی به منزله تداوم فقر و فساد و بی خانمانی



حمام خون توانسته کمونیست ها را از میدان بدر کند غافل از اینکه تا آن هنگام که نظام سرمایه داری پابرجا و مشغول غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان است، کمونیستها پیشاپیش همه رنجبران و ستم دیدگان آماده جانفشانی هستند... کیومرث منصوری ۹۰/۱۱/۱۹



اسلام سیاسی واژه ای که اخیرا از سوی بعضی از جریانات مطرح می شود تا بازوی توجیح و سرکوب سرمایه نجات یابد؟! (قسمت اول)

برای اینکه بدانیم این واژه درست است یا خیر باید اولاً اسلام را بشناسیم دوم جریاناتی که برای خاک پاشیدن و دامن زدن به توهم توده ها ان را مطرح می نمایند بشناسیم!!!!

جدیداً مدتی است که واژه جدید اسلام سیاسی در هر بحث و گفتگو و یا در بعضی مقالات طرح می شود. صرف نظر از آنکه برای نخستین بار چه جریانی و با چه هدفی این واژه را طرح نموده است. باید دید که آیا این واژه اساساً صحیح می باشد یا خیر؟ اسلام از بدو ورود خود به صحنه تلاش نموده است که حاکمیت سیاسی را از ان خود گرداند و

هر چه بیشتر و بهتر ماهیت رذیله و درنده جمهوری اسلامی و مزدورانش را که اینک بخشی در طی سالهای اخیر رنگ عوض کرده و فریبکارانه میگویند با جمع شدن به زیر علم اصلاح طلبی دامن خویش را از این ننگ بزدايند، آشکار کرد، امثال علیداد جباریان (از بنیان گزاران وزارت اطلاعات) جلایی پور (از فرماندهان سپاه در جنگ کردستان) اکبر گنجی (از فرماندهان موسس سپاه) موسوی نخست وزیر (که سه ماه بعد از کشتار ۶۷ در مصاحبه با خبرگزاری استرالیایی از این کشتار حمایت کرد) وووو..... براسستی جانین با چه میاندیشند؟ آیا امیدی به خلاصی از عواقب اعمال ننگین شان دارند؟ یا میبندارند بعد از گذشت سالها همه چیز فراموش شده؟ به تاسی از شعاری که مردم در سال ۵۷ میدادند که "نگ با رنگ پاک نمیشود" جانین با هزاران آب کر هم نمیتوانند دستان شان را که تا مرقف به خون بی گناهایی که تنها جرمشان آزادیخواهی و عدالت طلبی بود، پاک کنند. آنچه موجب شده این عناصر چنین جورانه وارد میدان شوند تنها سکوت ما بوده و بس. جمهوری اسلامی برای تداوم حیات ننگین خویش تمامی روشهای ضد انسانی و ضد اخلاقی را به کار گرفته و احماقانه میبندارد با اعدام های دسته جمعی و براه انداختن

نه بخشش و نه فراموشی در طول تاریخ سرکوب و شکنجه و زندان یکی از مشخصه های اصلی همه حکومتهای استبدادی بوده است. تمامی این رژیمها همیشه بر این باور داشته اند که به بند کشیدن انقلابیون و آزادیخواهان موثرترین ابزار در حفظ و تداوم بقاء است و جمهوری اسلامی در بکارگیری این ابزار سرآمد همه حکومتهای دیکتاتور و جنایتکار منطقه است و پایه های حاکمیت خویش را بر خون خلق ترکمن و کرد و ترک و عرب بنا نهاد، از بدو شکل گیری هر ندای حق طلبانه و هر صدای آزادیخواهانه را با قلع و قمع و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داد. موج گسترده بازداشت ها و کشتاری که بعد از سی خرداد در دهه شصت به راه افتاد و اقتدار مختلف جامعه از دانش آموز و دانشجو و کارگر را در بر گرفت در تاریخ معاصر ایران بی سابقه بوده، جنایاتی که مزدوران رژیم در زندانها مرتکب شدند در سکوت خبری مجامع و سازمانها و دولی که در حال حاضر نگران نقض حقوق بشر در ایران هستند، صورت گرفت. جنایاتی که از راست ترین تا چپ ترین عناصر حکومت در آن سهیم بوده اند. براسستی چگونه میتوان آنچه را که در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی به خصوص در دهه شصت رخ داده تشریح کرد که

هراس مردم از قحطی و گرسنگی و هجوم به فروشگاه ها!!!!

در هفته ای که گذشت شاهد هجوم بی سابقه مردم به فروشگاه های مختلف و ناپدید شدن مواد غذایی از قفسه های فروشگاه و تفسیرهای مختلف از این قضیه توسط جریانات های مختلف و از آنجا که می دانیم در این جهان پنهان هیچ تحلیل و تفسیر و هیچ علمی فارغ از منافع طبقه ای خاص نیست هر یک از آنها نیز بر حسب منافع طبقاتی که به ان وابسته بودند این مسئله را تفسیر و تحلیل می نمود. بعضی ان را نتیجه هراس مردم از جنگ و پیامد های ان ارزیابی نمودند بعضی دیگر ان را به از هم فروپاشی رژیم پیوند می زدند. در حالی که قضیه بسیار ساده و نه از طرف اکثریت توده ها بلکه از طرف قشر فوقانی طبقه متوسط بود که دستش به دهانش هنوز هم می رسد و مقدار پس اندازی هنوز دارد. و به این دلیل بود که توده ها بارها و بارها طی این سی و سه ساله رژیم بسیار شاهد بوده اند که پول ملی دائم ارزش خود را از دست داده و تورم بسیار افزایش یافته و بسیاری از خانواده ها قدرت خرید خود را از دست داده و به طبقه نادار پیوسته اند و چه بسا کانون بسیاری از خانواده ها از هم پاشیده و بعضی از خانواده ها نان آور خود را به دلیل بدهی و ... از دست داده و کودکان از خانواده به دست کار پیوسته و و درست به همین دلیل وحشت نموده و به ناچار برای همین که تا بیشتر از این قدرت خرید را از کف نداده اند برای تهیه آذوقه ای انک هر یک به اندازه پس انداز ناچیز خود بود که به فروشگاه ها حمله نموده بلکه فرصتی حتی کوتاه برای زنده ماندن بدست آوردند. عدول ۹۰/۱۱/۱۸

بسیاری از مردم وقتی که در شب به آسمان خیره می شوند ستاره هایی را می بینند که ممکن است سالها قبل نابود شده و اکنون دگر وجود نداشته باشند اما هنوز نور آنها پیداست آری رفقای ما نیز ستاره هایی بودند که هر چند سرمایه انها را حذف فیزیکی نمود اما آنها ستاره شدند و هنوز نور خود را بر ما می تابانند و ره می نمایانند.

کنیز صحنه نهاد بلکه اجازه و اختیار سو استفاده جنسی نیز از کنیز داده شد. سوره مومنون آیه ۲۳ اسلام از همان ابتدا تناقضاتی را در درون خود پرورانده بود. قوانین اجتماعی و شرعی که در مدینه و سپس در مکه محمد جاری نمود از اعراب جاهلیت به عاریت گرفته شد. مثلاً قانون ديه (در زمان جاهلیت عرب عبدالمطلب جد محمد نزد هبل بنت بزرگ که در خانه کعبه نگه داری می شد رفت و نذر کرد که هبل ۱۰ فرزند نکور به وی بدهد و آنگاه وی دهمین فرزند را پیش پای هبل قربانی نماید روزی که وی دهمین فرزند منکر خود را برد که نذر خود را ادا نماید کثیثی نصاری که از انجا می گذشت گفت عبدالمطلب تو ار بزرگان قریشی اگر فرزند خود را قربانی کنی این در بین اعراب رسمی خواهد شد و از این پس آنان نیز نذر خواهند نمود که هبل به انها ده یا بیشتر فرزند داده و انها نیز یکی را برای هبل قربانی نمایند پس قرار گذاشت که بین فرزندش و تعداد ۱۰ شتر قرعه نماید و اگر به فرزند قرعه افتاد تعداد شتر را افزایش داده تا بالاخره قرعه به شتر افتد این عمل آتقدر تکرار شد تا در قبال زنده ماندن فرزند وی صد شتر سرخ مو قربانی نمود و از ان پس در اعراب جاهلیت ديه فرد منکر ۱۰۰ شتر سرخ مو مقرر گردید) که اسلام نیز این قانون را محترم شمرد و ديه مرد را ۱۰۰ شتر سرخ مو و ديه زن را نصف ان همانطور که در جاهلیت مرسوم بود قرار داد و یا قانون سنگ سار را از یهود بنی قریظه به عاریت گرفت قطع ید سارق نیز از عرب جاهلیت به عاریت گرفته شد. با اینکه قوانین را محمد از جوامع ما قبل خود و یا همسایگان جزیره عربستان به عاریت گرفت اما از همان روزی که در مدینه مستقر گردید برای اداره جامعه قانون وضع نمود یعنی اسلام از نخست و رهیل سیاسی بوده است. بقیه در صفحه بعد

شدیدا نیازمند می باشند اسلام اساساً دینی است با دوگانگی های بسیار و در قوانین و پیام های ان بوضوح می توان تضادها و دوگانگی بیشماری را برشمرد. هر چه به صدر اسلام نزدیک شویم به دلیل اینکه طبقه حاکم جدید هنوز نتوانسته بود کاملاً به جامعه سیطره پیدا نماید مجبور بود به شعائر خود اظهار پای بندی نماید هر چند که در صدر اسلام نیز بعضی شعائر کاملاً اجرا نمی شد؟ مثلاً در صدر اسلام یکی از شعارها نفي برده داری و یکسان بودن انسانها علی رغم تفاوت در رنگ و زبان بود که این شعار باعث شد بسیاری از برده ها گرد محمد جمع شده و با تمام وجود برای استیلای او بگوشند و در ان شرایط اولیه بسیاری از ملازمان محمد برده های خود را از آزاد نموده و یا برده هایی که اسلام آورده فرار نموده و به اردوگاه محمد پناهنده شدند که بعد از فتح مکه انها نیز آزاد شدند. اما بعد از پایه ریزی حکومت جدید اشراف سابق و اشراف حاکم جدید که توانایی خرید برده داشتند دوباره انسانها را در قید بند و زنجیر نموده و این بار با نامی جدید که اختراع دین جدید بود (برده مرد را غلام و برده زن را کنیز) البته بیشترین برده را در جنگها به تملک خود در می آوردند و بعد ها برای اینکه این دوگانگی موجب سوال نشود در انتهای شعار قبلی کلمه ای را افزودند و شعار تمامی انسانها علی رغم رنگ پوست و زبان با هم برابر هستند را جمله ای کوتاه افزودند و این شعار بدینگونه طرح گردید تمامی انسانها علی رغم رنگ پوست و زبان با هم برابر هستند در نزد خدا !!!

و این گونه بود که علی و دیگر اصحاب نزدیک محمد نیز دارای غلام و کنیز بودند چه بسیار در احادیث شنیده اید که قمبر غلام علی چنین بود یا چنان گفت. ! حتی در قران نیز نه تنها به داشتن

و این مسئله جهت همواره یکی از هم و غمهای محمد را به خود اختصاص داده است که در جهت ان سعی و برنامه ریزی می نمود. محمد در اولین برخورد خود با سران قریش برای دعوت انها به کیش جدید اینگونه مطرح نمود که به کیش من درآید تا هم در آخرت و هم در دنیا از لذت های مختلف بهره برید و بر دنیا آقایی و سروری نمایید او در این دیدار قول تصرف حکومت کسری و ... را داد. این نشان می دهد که وی از همان ابتدای دعوت خود نه تنها به حکومت یکپارچه در شبه جزیره عرب فکر می کرد بلکه در چشم انداز خود حکومت بر سایر ملل را نیز بررسی و مد نظر خود قرار داده بود. پس از اینکه مکه را به قصد مدینه ترک نمود ابتدا در بدو ورود حکومتی در مدینه برپا و برای ان قوانینی نیز وضع نمود. بر خلاف ادیان دیگر ایین محمد از همان بدو ورود به صحنه با در دست گرفتن حکومت و تلاش برای تصرف مناطق دیگر و گسترش منطقه جغرافیایی خود و وضع قوانین اجتماعی و حکومتی از همان موقع سیاسی بوده و اساساً ما اسلام غیر سیاسی نداریم. عده ای به اشتباه این تقسیم بندی را مطرح می نمایند و در واقع منظور انها این است که به دین و طرز تلقی عوام در جامعه احترام گذاشته و انها را از حکام جدا نمایند که اگر چنین باشد بهتر است انها به این اشاره نمایند که مذهب پدیده ای شخصی است و هر شخص در محفل خصوصی خود می تواند به ان پایبند باشد و یا نباشد. اما اینکه اسلام را به دو دسته تقسیم کردن این توهم را در توده ها ایجاد می نماید که اسلام سیاسی است که خطر دارد و ان یکی اسلام بی خطر بوده و جامعه را تهدید نمی کند. البته سرمایه مدافعان منافع سرمایه داری آگاهانه این واژه را به کار می برند چون به درستی می دانند که برای حکومت و تداوم استثمار به دین و باورهای مذهبی

پتک است خون ما در دست کارگر

و خود را آماده می ساخت که حکومت را در دست گرفته و جامعه را اداره نماید. محمد توانسته بود اعراب بیابان گرد را به گرد هم جمع نموده و همه را زیر یک پرچم گرد آورد. تا زمانی که خود محمد حضور داشت اگر چنانچه سوالی پیش می آمد و یا تناقضات موجود در اسلام مسئله ای را بوجود می آورد او پای در میدان نهاده یا مسئله را جواب داده و یا توجیح می نمود و اگر در مانده می شد جبرئیل به کمکش شتافته و آیه ای نازل می گشت که برای این مسائل می شود بسیاری از آیات و شان نزول آیات را مثال زد. (که در این مقاله چون قصد افشا اسلام نمی رود و فقط قصد ان می رود که اسلام اساسا از همان ابتدا بر مبنای گرفتن حاکمیت و قدرت سیاسی حرکت نمود) پس از محمد نه تنها تناقضات در اسلام ماند بلکه به دلیل اینکه پس از وی به جمع آوری قصص و سخنان او و حتی جمع آوری قرآن همت گماشتند و این مهم را به صحابه واگذار نمودند بسته به درجه نزدیکی این صحابه به کانون قدرت و منافع لحظه ای و دراز مدت این کانون این مکتوبات دست خوش تغییر و دستکاری هایی گردید. این صحابه همواره تا مدتی بعد از حکومت خلفای راشدین و حتی در اوائل امپراطوری اموی نیز حضور داشتند پس از آنها بود که طیف روحانی به منظور ادامه وظیفه صحابه پدید آمد. روحانیت همان وظیفه صحابه را به عهده گرفت و حتی در این منظور فرائز رفته و نسبت به خلفای راشدین نیز شروع به تحریف و تاریخ سازی نمود. پس از اینکه صحابه از دنیا رفته و دیگر از صحابه فردی باقی نماند. حاکمیت نبود صحابه را بخوبی احساس می کرد به همین دلیل در تامین جانشین برای آنها دست به کار گردید آنچه حاصل این تلاش بود بعدا تحت عنوان روحانیت نامیده شد که این قشر نقش بسیار کلیدی در حکومت های اسلامی بازی نمود. و حتی توانست خود را در کنار دیگر حکومتها نیز به عنوان بازوی توجیح و سرکوب به بقا خود ادامه دهد. بقیه در پایین صفحه

شرکت در انتخابات خیانت به جنبش و کمک به بقا جانیان!؟
 انتخابات همواره یکی از اصلی ترین ابزار مشارکت و مداخله احاد جامعه در امور حکومتی و تعیین سرنوشت خود بوده و یکی از ارکان دموکراسی است. که بسته به نوع حکومت و نوع دموکراسی جاری (چه دموکراسی بورژوازی چه دموکراسی کارگری) هر کدام ان را به نوعی در خدمت می گیرند. در نظام سرمایه داری به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به حاکمیت سرمایه و صحنه گذاشتن بر اعمال کارگزاران خود مورد استفاده قرار می دهد.
 اما در طی این سی و دو سال حکومت جهل و جنایت اسلامی ما شاهد بوده ایم که این رژیم حتی به این دموکراسی نیم بند بورژوازی پایبند نبوده و از همان بدو ورود به صحنه سیاسی کشور بر خلاف شعارها و خواسته توده ها در قیام ۵۷ عمل نمود. در طی این مدت جمهوری سرمایه داری حاکم انتخابات های مکرری را برگزار نموده است که در هیچ کدام از آنها موازین ابتدایی دموکراسی یعنی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن نیز از توده ها گرفته شده است. و به جرات می توان گفت که بر گذاری و شرکت این به اصطلاح نمایندگان در مجلس کوچکترین تاثیری در زندگی توده ها و بهبود و ارتقاوضع آنها نداشته و اعمال واقعی اراده و خواست توده ها بر روند جاری اداره جامعه نبوده است. بلکه حاکمیت با تکیه بر تعداد آرای که از صندوقها بیرون آورده همواره خود را مقبول مردم معرفی قلمداد نموده است و به هر خیانت و جنایتی دست یازیده تا بی رونق ترین انتخابات های خود را پر رونق نشان دهد. (مانند انتخابات شوراهای اسلامی شهر دوره دوم) انتخابات دوره اول رئیس جمهوری خاتمی نسبت به بقیه انتخابات ها پر رونق بود که توده ها با هزار امید و آرزو پشت سر او افتاده و به او امید بست که طی هشت سال ریاست جمهوری وی توده ها به درستی متوجه شدند که وی نه برای حاکمیت رای توده ها بلکه برای نجات جمهوری جهل و جنایت اسلامی است که به میدان وارد شده است وی نه شجاعت اعمال رای مردم را داشت و نه هیچگاه توانست از پشتیبانی بیست میلیون رای بدست آورده استفاده نماید. از همان نخستین انتخابات در جمهوری اسلامی (انتخابات آری و یا نه) ما شیوه طرح و بر گذاری انتخابات را در جمهوری اسلامی مرود دانسته و همواره رای به تحریم آن داده ایم. اما هیچگاه نخوابسته ایم که طرز تلقی خود را به توده ها حقه نماییم و پیوسته سعی در افشاگری و رو نمودن دست کارگزاران حکومت را داشته

اما اینک پس از به زمین ریخته شدن خون صدها نفر در خیابان و زندان های جمهوری اسلامی پس از تجاوز و سوزاندن جسد بی جان ترانه پس از کشته شدن نا جوان مردانه ندا آقا سلطان بر روی سنگ فرش خیابان و رو شدن دست رژیم و عدم دفاع مجلس از منافع توده ها و به یغما بردن سرمایه های این کشور در حالی که مردم در بدترین شرایط زندگی می کنند توسط آقاها و آقا زاده ها و دریافتن اینکه این حکومت به هیچ روی قابل تغییر نمی باشد و هیچ صدای مخالفی را بر نمی تابد حتی صدا و مخالفت خودی های حکومت را دگر در هیچ انتخابات فرمایشی شرکت نخواهند کرد و تنها تعداد اندکی مزدور و خود فروخته است که رژیم به میدان خواهد آورد و اینان کسانی نیستند به جز خیانت کاران به خون جان باخته گان راه آزادی این کشور که طی سه دهه حکومت جهل و جنایت با ان به مبارزه برخاسته و جان خویش را برای آزادی و برابری و عدالت اجتماعی به این مردم تقدیم داشته اند. راه شان پر رهرو و یادشان همواره گرامی باد.

اطلاعیه مشترک کمیته های ایالتی تهران و کرچ
 ۹۰/۱۱/۱۸

تتها ره رهایی جنگ مسلحانه

این قشر جدید علاوه بر اینکه سخنان محمد را تفسیر می نمود شروع به ساخت و تفسیر و تاویل سخنان خلفای راشدین نیز نمود. بیشتر از همه ما در رابطه با علی و دیگر امامان شیعه شنیده ایم مثلا کمتر کسی را در ایران می توان یافت که در رابطه با علی و شیر و خرما دادن به یتیم های کوفه نشنیده باشد و همه شنیده یا خوانده ایم که حتی یتیمان شیر را از وی نمی گرفتند و او در حالی که مفتی می شد شیر و خرما را به درب منازل می برد اما جریان واقعی از این قرار بود که در جنگ صفین پس از حکمیت تعدادی از جوانان هر دو لشکر (معاویه و علی) که از حکمیت ناراضی بودند گرد هم جمع شده و تصمیم گرفتند که بعد از این خلیفه را برای ۲ سال انتخاب نموده و پس از اتمام مدت چنانچه خلیفه با عدالت رفتار نموده بود دوباره با وی بیعت نمایند و اگر بر خلاف عدالت رفتار نموده بود کس دیگری را بر گزینند علی و معاویه که این سخن را خلاف منافع خود می دیدند جنگ بین خود را رها کرده و هر دو به این گروه تاختند و در کنار نهروان بیش از چهار هزار نفر را گردن زدند. (که از آنان ۴ نفر گریخت که با یکدیگر پیمان بستند به خون خواهی رفتاری خود در یک روز هر چهار نفر یعنی علی معاویه عمر عاص و ابو موسی را ترور نمایند که ۳ نفر از آنها قبل از اجرای ماموریت به دام افتاده و کشته شدند و تنها این مل جم مرادی بود که موفق گردید.) علی پس از بازگشت از نهروان وجدان درد گرفته و برای کودکی که خود پدر آنان را در نهروان کشته بود آذوقه می برد و از آنجا که یتیمان او را مسیب یتیم شدن خود می دانستند و از اینکه وی قاتل

پدران شان بود خیر داشتند از وی هیچ چیزی قبول نمی کردند و به همین دلیل وی هنگام دادن آذوقه مخفی می گردید!! در حوزه خود روحانیت تاریخ های واقعی را مطالعه می نمایند اما می گویند که مردم عوام هستند و نباید واقعبیت برای آنها گفته شود زیرا از دین زده می شوند. بسیار می شود از تاریخ فاکت آورد که هم اسلام را افشا نمود و هم نشان داد که اسلام همواره در حاکمیت با مستقیم و یا غیر مستقیم نقش داشته است حال این سوال مطرح می شود پس این تقسیم بندی به چه دلیل مطرح گردیده و با چه قصد و غرض به ان دامن زده می شود؟ چه جریانی و به چه منظور سعی دارد این جنایات در این سه دهه را حاصل اسلام سیاسی نشان داده و چنین وانمود کند که اگر روی دیگر اسلام باشد در ان صورت در امان خواهیم بود و به حقوق توده ها تجاوزی صورت نخواهد گرفت!؟ در ابتدا سلطنت طلبان به این واژه دامن زدند که خود بخوبی می دانند که برای استمرار و حکومت بر توده ها به دین نیاز دارند و این را در حکومت گذشته به کرات آزموده اند. بیاد داریم که چگونه در ایم عاشورا دسته دربار در شهر های مختلف به خیابان می آمد و مراسم سینه زنی را اجرا می کرد و هر از گاهی نیز این اخبار بین مردم تبلیغ می شد که شاه را امام رضا کمر بسته نموده و ...
 توده ای ها نیز با بیان این واژه قصد دارند که اسلام خوب و بد را تبلیغ تا جنایات دهه شصت را بلکه توجیح نمایند و منافع طبقه ای را که نمایندگی می کنند حفظ نمایند. اما چرا دیگر جریانات به این دامن می زنند. بقیه در شماره بعد

.....
برای ارتباط با ما و ارسال مقالات خود با سایت کار ان لاین تماس گرفته و نوشته ها و مقالات خود را ارسال نمایید ما از ان طریق مقالات شما را دریافت خواهیم نمود.

چنانچه کسی مایل بود که برای نشر این ماه نامه ما را یاری نماید نیز کمک های مالی را برای سازمان ارسال نماید.

www. Kareonlin.org
www. Fedayi.org
